

بررسی چند رباعی منسوب به رودکی

سیدعلی میرافضلی* (پژوهشگر متون ادبی)

چکیده: رودکی سمرقندی را مُبدع رباعی فارسی می‌دانند، و داستان آن را شمس قیس رازی به‌نیکی روایت کرده‌است. متأسفانه از رودکی دیوانی منسجم که دربردارنده اشعار اصلی و صحیح‌النسب او باشد، به جا نمانده است، و آنچه در دست داریم، اشعاری است که دیگران از منابع مختلف گردآوری کرده‌اند. کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، که سعید نفیسی در طی دو نوبت ویرایش و تدوین کرده (۱۳۰۹ و ۱۳۳۴ ش)، تا امروز منبع اصلی اشعار منسوب به رودکی به شمار می‌رود. اشعاری که به نام رودکی در این کتاب گردآوری شده، در بسیاری از منابع، به نام شاعران دیگر هم دیده می‌شود. تازه‌ترین پژوهش درباره اشعار رودکی کتاب سروده‌های رودکی اثر علی رواقی است. در مقاله حاضر، به بهانه انتشار این کتاب، چند رباعی منسوب به رودکی را که در این اثر آمده بررسی کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که اغلب آن‌ها را نمی‌توان سروده رودکی شمرد.

کلیدواژه‌ها: رودکی، رودکی سمرقندی، رباعیات رودکی، رباعیات سرگردان، علی رواقی، سعید نفیسی.

استادالشعراء، ابوعلی‌بن‌رودکی سمرقندی، بنا به روایت شمس قیس رازی، مُبدع رباعی فارسی است، و وزن رباعی را از زبان یکی از کودکان برگرفت که در کوچه‌ای در غزنین گردوبازی می‌کرد و می‌گفت: «غلتان‌غلتان همی‌رود تا بُنِ گُو»، و بر قیاس آن سه مصراع دیگر سرود و قالب رباعی را آفرید (شمس قیس رازی، ص ۱۱۲-۱۱۴)^(۱). شگفت آنکه در هیچ‌کدام از منابع قدیمی از قبیل تاریخ بیهقی، لغت فرس اسدی، تاریخ سیستان، و لُبَابِ الْأَلْبَابِ عوفی، در میان اشعاری که از رودکی نقل کرده‌اند، رباعی‌ای یافت نمی‌شود تا بر قول شمس قیس تأییدی نهد؛ حتی خود او نیز در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، در میان شعرهایی که از رودکی آورده، رباعی‌ای از رباعیات

* alimirafzali@yahoo.com

رودکی درج نکرده است تا سخنش باورپذیر آید.

سدیدالدین عوفی، که در نقل اشعار شاعران قدیم به رباعیات آنان توجه خاص داشته، در فصل مربوط به شاعران دوره صفاری و طاهری و سامانی، از قبیل شهید بلخی، رودکی، فرالوی، دقیقی طوسی، و منجیک ترمذی، جز یک رباعی که به نام ابوشکور بلخی آورده (نک. عوفی، ص ۴۰۲)، هیچ رباعی ای نقل نکرده است. در کتاب ارجمند نزهة المجالس، که در بردارنده ۴۰۰۰ رباعی از ۳۰۰ شاعر فارسی زبان است، هیچ رباعی ای به نام رودکی دیده نمی شود. مفهوم این سخن آن است که منابع تا اواسط قرن هفتم هیچ رباعی ای به اسم رودکی و شاعران هم عصر او ضبط و ثبت نکرده اند، یا دست کم در اختیار نداشته اند. دیگر رباعی نامه های کهن، مثل سفینه کهن رباعیات، مجمع الرباعیات آنقروی، خلاصة الأشعار فی الرباعیات مسعود تبریزی، و سفینه هایی مثل مونس الأحرار و دقائق الأشعار، روضة الناظر و نزهة الخاطر، جنگ گنج بخش، سفینه اشعار سعدالدین الهی، سفینه ترمذ محمد بن یغمور، انیس الوحده و جلیس الخلوۃ گلستانه، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف سیف جام هروی و چندین اثر دیگر نیز چنین وضعی دارند. البته، منابع متأخر، این نقیصه را با آوردن رباعیات بی اصل و نسب جبران کرده اند.

از رودکی دیوانی به جای است، و آنچه به نام او فراهم کرده اند از متون و منابع پراکنده ادبی و تاریخی، تذکره ها، و مجموعه های شعر برگرفته شده است. نخستین تحقیق جدی در اشعار رودکی را سعید نفیسی انجام داده که زیر عنوان محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی چندین بار به چاپ رسیده، و بسیاری از کتاب های بعدی، وام دار این اثرند. او، برای گردآوری اشعار منسوب به رودکی، به ۹۳ منبع مراجعه کرده و فهرست آن ها را در مقدمه کتاب و مدخل اشعار آورده است. در این کتاب ۳۴ رباعی کامل به نام رودکی به چشم می خورد. طبق اشاره نفیسی، «بیشتر این رباعی ها در سفینه ها و کتاب های متأخر آمده است، و به همین جهت، در انتساب آن ها به رودکی شک دارم؛ چنان که در پاره ای از آن ها کلمات و ترکیبات و معانی ای هست که به سخن رودکی نمی ماند. اما چون راه تحقیق بسته است، نمی توان حکم قطعی کرد». (نفیسی ۲، ص ۵۱۸)^(۱)

آخرین پژوهشی که درباره اشعار رودکی منتشر شده، کتاب سروده های رودکی اثر علی رواقی است که انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی آن را به تازگی عرضه داشته است. همان گونه که از پیشینه پژوهشی و احاطه علمی مؤلف بر مبحث لغت شناسی می سزد، کتاب سرشار از تعلیقات و یادداشت های لغوی سودمند و راهگشاست.

در کتاب سروده های رودکی ۹۱۹ بیت از اشعار منسوب به رودکی گرد آمده است. مؤلف ۱۹۳ بیت از اشعار دیگران را نیز، که با اشعار رودکی در هم آمیخته بوده، شناسایی کرده و جداگانه

دنباله اشعار رودکی آورده است. رواقی فهرست ۲۹ کتابی را که در تصحیح متن از آن‌ها بهره برده، در مقدمه کتاب یاد کرده (رواقی، صفحات بیست و سه - بیست و چهار)، و شگفت آنکه برخی منابع کهن و بااهمیت، مثل ترجمان البلاغه رادویانی، حقایق السحر رشید و طواط، و معیار الأشعار خواجه نصیرالدین طوسی در این فهرست جایی ندارند. اما شگفت‌تر آنکه نشانی هر شعر را در متون مورد استفاده مشخص نکرده‌اند، و خواننده نمی‌داند که این ۹۱۹ بیت از کجا انتخاب شده‌اند. البته، در پانویس اشعار، گاهی به سبب ذکر اختلاف نسخه‌ها، اشاراتی به برخی منابع شده که فاقد جامعیت است و معلوم نمی‌دارد که مابقی منابع آن شعر کدام‌اند. همچنین، انتظار می‌رفت که در یادداشت‌ها، به اشعار منسوب به رودکی که در کتب قدیمی به عنوان شاهد سخن آمده (بی ذکر نام گوینده)، اشارتی می‌شد؛ فی‌المثل، آنچه در کتاب‌هایی نظیر اسرار التوحید آمده است^(۳). علت غفلت از چنین کار واجبی به کلی بر این نگارنده پوشیده است. البته، گاهی اشارت مختصری در تعلیقات و پانویس‌ها و کتابنامه هست، و این معلوم می‌دارد که مؤلف به این‌گونه منابع نظر داشته، ولی ذکر تک‌تک آن‌ها را واجب ندانسته است.

سروده‌های رودکی مشتمل بر ۲۵ رباعی است که مأخذ هیچ‌کدام بر خواننده روشن نیست. در بخش سروده‌های منسوب به رودکی نیز ۱۱ رباعی دیگر آمده که رواقی نام گوینده اصلی آن‌ها را آورده است. این رباعیات متعلق به انوری، عنصری، قطران، مسعود سعد، و کسایی مروزی است. نکته درخور توجه این است که در میان ۲۵ رباعی‌ای که از آن رودکی تشخیص داده شده نیز رباعیاتی هست که در منابع به نام دیگران است و در هیچ جای کتاب توضیحی نمی‌بینیم که با چه معیاری آن ۱۱ رباعی از رودکی سلب نسبت شده و به چه دلیل، دیگر رباعیات سرگردان به قوت خود باقی مانده‌اند.

ما، در این گفتار، نظر خود را در باب چند رباعی منسوب به رودکی بیان خواهیم داشت. به‌ناچار، منابع این رباعی‌ها را از چاپ نفیسی (ویراست دوم) می‌آوریم. همان‌طور که پیش‌تر گفتیم و نفیسی نیز اشاره داشته است، هیچ‌یک از رباعیات منسوب به رودکی در منابع قدیم نیست و اغلب متکی به تذکره‌های دوره صفوی، مثل تذکره هفت اقلیم (امین احمد رازی، ۱۰۰۲ ق)، عرفات العاشقین و عرصات العارفین (اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴ ق)، خیرالبیان (شاه حسین سیستانی، ۱۰۱۶ ق)، و تذکره‌های متأثر از آن‌ها، همچون ریاض الشعراء (واله داغستانی، ۱۱۶۱ ق)، آتشکده (آذر بیگدلی، ۱۱۹۳ ق) و مجمع الفصحاء (هدایت، ۱۲۸۸ ق) است. برخی سفینه‌های شعر از سده دهم تا سیزدهم هجری نیز جزو منابع رباعیات منسوب به رودکی‌اند. با چنین مأخذ متأخری، برای انتساب هرکدام از این رباعیات به رودکی، باید حجتی قوی و دلیلی محکم اقامه کرد. اهتمام بلیغی که مؤلف در تصحیح

ابیات و کشف صورت درست کلمات به کار برده، به راستی آموزنده و الگوی پژوهشگران است. اما، پیش تر از هر چیز، مخاطب باید از صحت انتساب این اشعار به رودکی اطمینان حاصل کند، و رسیدن به این مایه از اطمینان، نیازمند همان مقدار توجه و تحقیق است. مستندسازی اشعار و اقناع مخاطب در انتسابها بحث بااهمیتی است، و فرونهادن آن، نقصانی چشمگیر برای کتاب سروده‌های رودکی است.

رباعی ۱

در رهگذر باد، چراغی که تو راست
بوی جگر سوخته عالم بگرفت
ترسم که بمیرد از فراغی که تو راست
گر نشنیدی، زهی دماغی که تو راست!

(نقیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

رباعی، با تفاوت‌هایی در بیت دوم، در دیوان سنایی دیده می‌شود (سنایی ۱، ص ۶۸۴، ۱۱۱۴؛ همو، ۲، برگ ۲۹۰). ضبط رباعی در دیوان سنایی چنین است:

بر رهگذر باد، چراغی که تو راست
بُشاند هم آب اجل آتش تو
ترسم بنشیند از فراغی که تو راست
بر باد دهد خاک دماغی که تو راست

در هر دو منبع مذکور، رباعی دیگری آمده که مؤید انتساب رباعی یادشده به سنایی است (سنایی ۱، ص ۶۸۴، ۱۱۵۲؛ همو، ۲، برگ ۲۹):

بر دل ز پی فراق داغی دارم
با این همه، پُرهوس دماغی دارم
وز یافتن کام، فراغی دارم
بر رهگذر باد، چراغی دارم

نقیسی رباعی مورد اشاره را به اعتبار «سفینه‌های اشعار فارسی»، که مشخصاتشان معلوم نیست، به نام رودکی کرده، ولی در صحت انتساب رباعی به رودکی تردید داشته است: «این رباعی در دو سفینه مختلف به نام رودکی آمده است، ولی مشکوک است از او باشد؛ زیرا که در مصرع چهارم، کلمه 'دماغ' به معنی 'بینی' آمده است، و گمان ندارم در زمان رودکی این معنی را داشته بوده است» (نقیسی ۲، ص ۵۱۴)^(۴). او، در ویراست دوم اثر، کتاب ابو عبد الله رودکی میرزایف را نیز به منابع خود افزوده، و به نظر می‌رسد منبع میرزایف نیز ویراست نخست کتاب نقیسی باشد. (نک. میرزایف، ص ۵۰۵)^(۵)

رباعی ۲

جایی که گذرگاه دل محزون است
لیلی صفتان ز حال ما بی‌خبرند
آنجا دوهزار نیزه بالا خون است
مجنون داند که حال مجنون چون است

(نقیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

این رباعی را نفیسی بر مبنای «سفینه‌های اشعار فارسی» نقل کرده است. در دیگر منابع هم از نفیسی نقل شده است. رباعی به شیخ بهایی (وفات: ۱۰۳۱ ق) هم منسوب است (واله داغستانی، ص ۳۹۲). با توجه به اینکه شمس تبریزی بیت دوم رباعی را در مقالات خود ذکر کرده (شمس تبریزی، ص ۷۲۱)، انتساب آن به شیخ بهایی مردود است. اما در باب صحّت انتساب رباعی به رودکی نیز اطمینان چندانی نمی‌توان داشت. ضبط بیت دوم در مقالات شمس نشان می‌دهد که گذر روزگار چه بر سر زبان رباعی آورده است:

مر لیلی را ز حال مجنون چه خبر؟ مجنون داند که حال مجنون چون است

رباعی ۳

دل خسته و بسته مسلسل مویی ست خون‌گشته و گشته بت هندویی ست
سودی نکند نصیحتت ای واعظ این خانه خراب طرفه یک‌پهلویی ست

(نفیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

نفیسی رباعی را بر اساس مأخذی کم‌مایه، یعنی مقاله هرمان ایتیه وارد مجموعه اشعار رودکی کرده است. سایر منابع ظاهراً به نقل نفیسی اعتماد کرده‌اند. نکته‌ای که ما را در صحّت انتساب رباعی به رودکی به تردید می‌اندازد زبان رباعی است که به هیچ‌وجه با سبک سخنوری گویندگان دوره سامانی همخوانی ندارد. رواقی، که در تعلیقات هر بیت، شواهد متعدّد از متون نظم و نثر در باب لغات شاذّ و رایج آن آورده، از واژه‌های این رباعی، فقط «طرفه» و «یک‌پهلوی» را بدون ذکر شواهد معنی کرده است. «یک‌پهلوی» کنایه از یک‌دنده و لجوج است. به نظر می‌رسد این اصطلاح در دوره صفوی رایج شده، و فرهنگ‌هایی چون فرهنگ آندراج و بهار عجم معنی آن را با شواهدی از شعر سبک هندی، از جمله صائب تبریزی، نقل کرده‌اند (محمدپادشاه، ج ۳، ص ۸۳۹؛ بهار، ۲۱۶۲؛ نیز نک. گلچین معانی ۲، ص ۷۸۳). من در متون قدیم چنین کنایه‌ای نیافتم، و قطعاً اگر بود، رواقی از ذکر آن چشم نمی‌پوشید.^(۶)

رباعی ۴

تقدیر که بر کشتنت آزم نداشت بر خُسن و جوانیت دل نرم نداشت
اندر عجبم ز جان‌ستان، کز چو تویی جان پُستد و از جمال تو شرم نداشت

(نفیسی ۲، ص ۵۱۴؛ رواقی، ص ۴۰)

رباعی را نفیسی بر اساس «سفینه‌های اشعار فارسی»، «سفینه اشعار متعلّق به اقبال»، ریاض‌الجَنّة زُنوزی، و نظم‌گزیده صادق تبریزی به نام رودکی کرده است. رباعی در دیوان مجید همگر شیرازی (وفات: ۶۸۶ ق) آمده (نک. مجدالدین همگر ۱، ص ۶۹۰)، و در تذکرة خلاصة الأشعار هم جزو اشعار

مجد همگر ذکر شده است (نک. کاشانی، تقی، برگ ۳۸۹ ر). سعدالدین آلهی نیز رباعی را، با تغییراتی، در مجموعه رباعیات آورده، ولی فاقد نام گوینده است (نک. آلهی، برگ ۳۲ پ). با توجه به منابع متأخری که رباعی منسوب به رودکی دارد، انتساب آن به مجد همگر درست تر است.

رباعی ۵

بی روی تو خورشید جهان سوز مباد هم بی تو چراغ عالم افروز مباد
با وصل تو کس چو من بدآموز مباد روزی که تو را نبینم آن روز مباد

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۰)

منبع رباعی، سفینه اشعار متعلق به عباس اقبال است که، به گمان من، همان جنگ اشعار شماره «۵۳ د» کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران است که در سده یازدهم یا دوازدهم فراهم آمده است. منبع بعدی رباعی، آثار ابو عبد الله رودکی چاپ تاجیکستان است که تمام و کمال متکی به چاپ اول کتاب نقیسی است. در واقع، این رباعی یک منبع بیشتر ندارد. ما رباعی را در دیوان اهلی ترشیزی می یابیم (نک. اهلی ترشیزی ۱، ص ۵۸۹). در دست نویسی از دیوان اهلی، که به شماره ۸۳۳۸ در دانشگاه تهران نگهداری می شود و در سال ۹۳۳ ق (یک سال بعد از مرگ شاعر) کتابت شده، این رباعی موجود است (نک. همو ۲، برگ ۴۸ ر) و، به احتمال بسیار، گوینده رباعی اوست نه رودکی.

رباعی ۶

زلفش بکشی، شب دراز اندازد وربگشایی، چنگل باز اندازد
ورپیچ و خمش ز یکدگر بگشایند دامن دامن مشک فراز اندازد

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع این رباعی نیز سفینه های اشعار فارسی است. ردیف رباعی، مطابق منابع کهن، «آید از او» است و «اندازد» حاصل بدخوانی است. در نزهة المجالس، رباعی مذکور، به همراه یک رباعی دیگر، در همین طرح ردیف و قافیه نقل شده است (شروانی، ص ۲۶۸):

ظهِیرِ شَفَرُوه

زلفش که نگار صد طراز آید از او جان و دل را محرم راز آید از او
تاری که به نوک شانه باز آید از او عالم عالم فتنه فراز آید از او

لِغَیرِه

زلفش بکشم، شب دراز آید از او ورباز هلم، چنگل باز آید از او
ورگرد به آستین از او بشانم دامن دامن مشک فراز آید از او

اتِّفَاقاً در روضۃ الناظر هم رباعی مورد اشاره با رباعی ای از همان طرح نقل شده است (کاشانی، عزیز، برگ ۲۶۸ ر):

غیره

آن لب که حدیث دل نواز آید از او جامی ست که جان رفته باز آید از او
دشنام دهد، هزار ناز آید از او لب خنده زند، شکر فراز آید از او

آخر

زلفش بکشی، شبِ دراز آید از او وریاز هلی، چنگل باز آید از او
ور حلقه و پیچ او ز هم باز کنی خرم خرمین مشک فراز آید از او

به نظر من، پشت سر هم آمدن این رباعیات، در هر دو منبع، خالی از تأمل و علتی نیست. هم شروانی و هم کاشانی، رباعیات چهارقافیه ای را بر رباعی سه قافیه ای منسوب به رودکی مقدم داشته اند، و مفهومش این است که این رباعی، بعد از آن دو رباعی سروده شده و محصول سده هفتم هجری است و، در هر صورت، عمرش به دوران رودکی سمرقندی نمی رسد. رباعی مورد نظر، در مجموعه رباعیات سعدالدین نیز، که از یادگاران سده هشتم هجری است، مطابق روایت نُزْهَة المَجَالِس و بدون ذکر نام گوینده نقل شده است. (نک. آلهی، برگ ۴۵ پ)

رباعی ۷

در جُستن آن نگارِ پُر کینه و جنگ گشتیم سراپای جهان با دل تنگ
شد دست ز کار و رفت پا از رفتار این بس که به سر زدیم و آن بس که به سنگ

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع این رباعی، بیاض اشعار کتابخانه سلطنتی برلین، ریاض الجنّة زُنُوزی، و نظم گزیده صادق تبریزی است. در عرفات العاشقین، رباعی به اسم سلونوی اردستانی، از شاعران هم عصر مؤلف، آمده، و گواهی او درباره یکی از شاعران آن روزگار درخور توجه است (اوحدی بلیانی، ص ۱۷۶۱؛ واله داغستانی، ص ۱۰۰۲). در تذکره هفت اقلیم به نام فدایی لاهیجی ثبت شده است (رازی، ص ۱۲۹۴). زبان رباعی به شاعران متأخر شباهت بیشتری دارد.

رباعی ۸

در عشق توام نه صبر پیدا است نه دل بی روی توام نه عقل برجاست نه دل
این غم که مراست، کوه قاف است نه غم این دل که تو راست، سنگ خاراست نه دل

(نقیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۴۱)

منبع رباعی، «سفینه اشعار متعلق به اقبال» است. طرح قافیه و ردیف رباعی، برای شاعری که از آوردن ردیف پرهیز دارد یا به ردیف‌های فعلی ساده گرایش دارد، قدری غریب است. رباعی در دیوان مجد همگر شیرازی موجود است (نک. مجدالدین همگر ۱، ص ۷۷۰)، و در دست‌نویسی که نوۀ شاعر در ۶۹۷ ق در تیریز نگاشته است نیز هست (نک. همو ۲، برگ ۱۴۸ ر)؛ ضمن آنکه در تذکرۀ خلاصه الأشعار هم جزو اشعار مجد همگر به ثبت رسیده است. (نک. کاشانی، تقی، برگ ۳۸۹ ر)

رباعی ۹

در منزل غم فکنده مفرش ماییم وز آب دو چشم، دل پُر آتش ماییم
عالم چو ستم کند، ستم کش ماییم دستِ خوش روزگارِ ناخوش ماییم

(نفیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۴۱)

نفیسی، با استفاده از چهار منبع، رباعی را به رودکی منتسب کرده است: تذکرۀ هفت اقلیم، مجمع الفصحاء، منتخبات فارسی شفر، و مقاله هرمان اِته. پیداست که رباعی یک منبع بیشتر ندارد، و آن، تذکرۀ هفت اقلیم است (نک. رازی، ص ۱۵۱۹)، و دیگران آن را از همین منبع برگرفته‌اند. شگفت آن است که خود نفیسی رباعی را در دیوان رشیدالدین وطواط به ثبت رسانده است (نک. وطواط ۱، ص ۶۱۷). در دو دست‌نویس معتبر، یکی مجموعه دواین مورخ ۶۹۹ ق کتابخانه چستریتی (همو ۲، برگ ۲۲۴ پ) و دیگری رسایل و اشعار رشید، که در ۷۲۷ ق کتابت شده (همو ۳، برگ ۸۹ ر)، رباعی به نام رشید آمده و در صحت انتسابش آن به او تردیدی نیست؛ ضمن آنکه در جُنگ اشعار شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس هم رباعی به نام رشید دیده می‌شود (نک. سفینه نوح، ۱۱۰ ر). این جُنگ در سده هشتم هجری کتابت شده است.

رباعی ۱۰

چرخ کجه باز تا نهان ساخت کجه با نیک و بد دایره در باخت کجه
هنگامه شب گذشت و شد قصه تمام طالع به کفم یکی نینداخت کجه

(نفیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۲)

منبع رباعی، «سفینه‌های اشعار فارسی»، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، و تذکرۀ عرفات العاشقین است. من حدس می‌زنم که سرمنشأ دو انتساب اول، همان تذکرۀ عرفات العاشقین باشد (نک. اوحدی بلیانی، ص ۱۴۳۷). «کجه» طبق آنچه در فرهنگ‌های لغت متأخر ذکر شده، انگشتی بی‌نگین است که با آن گل یا پوچ بازی کنند (انجو شیرازی، ج ۱، ص ۷۲۸؛ برهان تبریزی، ص ۱۶۰۰؛ فرهنگ رشیدی، ص ۱۱۰۷). چنان‌که به روشنی از یادداشت‌های رواقی و شواهد شعری این لغت برمی‌آید، این

لغت، جز در دوره صفوی و اشعار شاعران آن دوره، بازتابی در متون قدیم ندارد. همان‌طور که باید به‌دقت به اقلیم جغرافیایی زبان توجه کرد، تاریخچه به‌کارگیری لغات هم باید مدّ نظر باشد. از تاریخچه کاربرد این کلمه برمی‌آید که چنین لغتی متعلق به دوره رودکی و حتی چندین سده بعد از آن نیست. ظهور این اصطلاح در شعر شاعران ایرانی مهاجر به هند، از قبیل ظهوری ترشیزی، کلیم همدانی، شاپور تهرانی، پیامی کرمانی، و چند تن از شاعران فارسی‌زبان دیار هند، مانند جویای کشمیری، فضل لکهنوی، رایج سیالکوتی، و منیر لاهوری (نک. محمد پادشاه، ج ۲، ص ۱۰۴۸؛ بهار، ص ۱۶۷۸) ذهن را به این سمت می‌برد که شاید خاستگاه لغت «کچه» و «کچه‌بازی» شبه‌قاره هند باشد.^(۷)

رباعی ۱۱

چون کار دلم ز زلف او مانند گره
بر هر رگ جان صد آرزو ماند گره
امید ز گریه بود، افسوس افسوس
کآن هم شب وصل در گلو ماند گره

(نقیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۲)

نقیسی برای این رباعی ۱۳ منبع معرفی کرده است: تذکره آتشکده، دیوان رودکی چاپ تهران، خرابات، شمع انجمن، مجمع الفصحاء، نمونه ادبیات تاجیک، منتخبات فارسی شفر، شعرا العجم، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، مقاله هرمان اته، عرفات العاشقین، تذکره ریاض الشعراء، و تذکره خلاصه الأفكار. شبیه رباعی قبلی، همه این منابع در یک مأخذ ریشه دارد، و آن تذکره عرفات العاشقین است (نک. اوحدی بلیانی، ص ۱۴۳۷). آن که در تذکره‌های فارسی مطالعه کرده باشد، می‌داند که تذکره‌نویسان متأخر کاری جز رونویسی از کتاب‌های یکدیگر نکرده‌اند، و تکرار یک شعر در چند تذکره از این دست به معنی تواتر اسناد نیست^(۸). بنابراین، قدیمی‌ترین سند ما برای این رباعی یک تذکره از دوره صفوی است.

منبع اوحدی بلیانی در نقل اشعار رودکی، اول، تذکره لباب‌الالباب، سپس تاریخ بیهقی، و، در آخر، منابع ناشناسی است که معرفی نکرده است. اشعاری که او از منابع ناشناس آورده با دیگر اشعار رودکی مابین آشکار دارد؛ برای مثال، سه بیت شعر با ردیف «لیسد» به رودکی بسته که در طرز شاعران متفتن دوره تیموری و بعد از آن می‌گنجد. متأسفانه، نقیسی و رواقی نیز بدین شعر، که با اشعار بااصل و نسب رودکی ناهم‌تراز است، تن در داده‌اند. در باب رباعی مورد نظر باید گفت که ساخت زبانی آن جز در منظومه زبانی شاعران سبک هندی قابل تصوّر نیست. گره شدن آرزو در رگ یا گره شدن اشک در گلو از تصاویر آشنایی است که در شعر صائب و امثال او بارها به کار رفته است. این شاهد را من از فرهنگ اشعار صائب برگزیده‌ام: ز گریه‌ای که مرا در گلو گره گردد / سپهر

سفله کند کم ز آب و دانه من^(۹) (گلچین معانی ۲، ص ۶۳۰). عرفی شیرازی گوید: دم مردن گره شد در گلویم گریه، چون دیدم / که جان رو بر قفا می رفت از شوق جمال او. (عرفی شیرازی، ص ۸۱۸)
باید افزود که ردیف «گره» و خوشه‌های تصویری‌ای که از رهگذر تلفیق آن با دیگر کلمات رباعی پدید آمده، شباهت تام به شگردهای شاعران سبک هندی دارد، و مؤید آن، رباعی‌ای است از ظهوری ترشیزی، شاعر صاحب‌سبک آن روزگار (وفات: ۱۰۲۵ ق)، که «گره» را در ردیف آورده است (ظهوری ترشیزی، ص ۱۵۸):

بی بزم تو گل در دل خس بود گره	تا گفت بگفت از تو نفس بود گره
عقد گهری حمایلت کرد آخر	در سینه قلزم این هوس بود گره ^(۱۰)

رباعی ۱۲

با داده قناعت کن و با داد بزی	در بند تکلف مشو، آزاد بزی
در به ز خودی نظر مکن، غصه مخور	در کم ز خودی نظر کن و شاد بزی

(نقیسی ۲، ص ۵۱۷؛ رواقی، ص ۴۳)

منبع این رباعی، «سفینه اشعار متعلق به اقبال» است. نقیسی در معرفی منابع خود، نهایت اجمال را به کار برده و چیزی درباره کم و کیف بسیاری از آن‌ها نگفته است. نمی‌دانیم که سفینه اقبال در کدام سده گرد آمده است؛ اما، به قراین منقولات آن، باید از سده دوازدهم هجری باشد^(۱۱). چنین منبعی نمی‌تواند انتساب رباعی را به رودکی موخه و مقبول نماید. رباعی، در کتاب بحرالوفوائد، که از یادگاران قرن هفتم هجری است، بدون نام قائل آمده (صفری آق‌قلعه، ص ۱۳۱۶)، و در بعضی منابع قرن هشتم از قبیل انیس‌الوحده (گلستانه، ص ۱۱۴) و مجموعه رباعیات سعدالدین (آلهی، برگ ۱۹) نیز بی‌نام گوینده نقل شده است. نقیسی آن را جزو رباعیات بابا افضل کاشانی نیز ذکر کرده است (نک. کاشانی، افضل، ص ۱۷۶). قدیم‌ترین منبع او عرفات‌العاشقین است (نک. اوحدی بلیانی، ص ۳۳۳). در تذکره هفت اقلیم هم رباعی به اسم بابا افضل است (نک. رازی، ص ۱۰۱۲) و ممکن است رباعی از این حکیم باشد.

شاعران سده ششم هجری به طرح قافیه و ردیف رباعی توجه داشته‌اند، و اگر بگوییم گوینده رباعی مورد نظر تحت تأثیر این فضا بوده، چندان بیراه نخواهد بود. پیش‌تر از همه، باید از معزی نیشابوری یاد کرد (شروانی، ص ۱۱۷):

ای خواجه، تو در خرابت آباد بزی	گر داد نباشدت به بیداد بزی
در هستی و نیستی چرا بستندی دل؟	انگار که نیستی و آزاد بزی

این رباعی به خیّام منسوب است (رشیدی تبریزی، ص ۱۳۸):

چندین غم بیهوده مخور، شاد بزی
چون آخر کار این جهان نیستی است
وآندر ره بیداد، تو با داد بزی
انگار که نیستی و آزاد بزی

انوری نیز سروده است (میرافضلی ۱، ص ۱۹۶؛ شروانی، ص ۳۸۶):

ای کرده دلم خراب، آباد بزی
بر دل ز کسی اگر غمی هست تورا
وی بند تو بر جان من، آزاد بزی
آن نیز به من حواله کن، شاد بزی

اثیر آخسیکتی نیز به جرگه همسرایان این رباعی پیوسته است (اخسیکتی، ص ۸۳۲):

ای کشته مرا به تیغ بیداد، بزی
گر من ز غمت بمیرم، انا لله
کم گیر یکی بنده و آزاد بزی
غم بر دل نازنین منه، شاد بزی

کمال اسماعیل اصفهانی دو رباعی با این ردیف و قافیه دارد (اصفهانی، ص ۸۹۳؛ شروانی، ص ۱۱۶):

شادی مَطْلَب دلا، برو شاد بزی
از هر چه ز تو بُرید خواهد فردا
تن در غم گردون نه و آباد بزی
امروز بپُشر به نقد و آزاد بزی
در بند جهان مباش و آزاد بزی
تا زنده‌ای، از مرگ نباشی ایمن
وز باده خراب گرد و آباد بزی
یک بار بمیر و تا ابد شاد بزی

رباعی ۱۳

هان رودکی! از قید غم آزاد بزی
ویرانی خود منگر و آبادی دهر
با خاطر خرّم و دل شاد بزی
ویرانی دهر بین و آباد بزی

(رواقی، ص ۴۳)

این از معدود اشعاری است که در چاپ نفیسی نیست و جزو یافته‌های بعدی است. رواقی منبع این رباعی را یاد نکرده است. ما در منابعی که در دسترسمان بود جستجو کردیم، و در دست‌نویسی از جواهرالخیال محمدصالح رضوی، رباعی را به نام حکیم رودکی یافتیم (رضوی، ص ۹۹)^(۱۳). چیزی که در این رباعی بیش از همه جلب توجه می‌کند، درج تخلص «رودکی» است که خود می‌تواند یکی از دلایل مردود بودن این انتساب باشد. ما سابقه معتبری درباره ذکر تخلص در رباعی تا زمان سنایی غزنوی ندیده‌ایم، و ظاهراً او جزو نخستین کسانی بوده که مَهر اسم خود را بر پای بعضی رباعیاتش نهاده است. غیر از مسئله مشکوک درج نام رودکی در رباعی، منبع رباعی نیز حدود هفتصد سال با زمان شاعر فاصله دارد و هیچ متن معتبری از این انتساب پشتیبانی نمی‌کند. آنچه در باب ردیف و قافیه رباعی قبل گفتیم درباره این رباعی نیز صادق است.

رباعی ۱۴

چون پیش دل از هجر تو ناکامه نهم
برنامه تو چو دست بر خامه نهم
پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم
خواهم که دل اندر شکن نامه نهم

(نقیسی ۲، ص ۵۱۶؛ رواقی، ص ۱۱۱)

نقیسی، به اعتبار فرهنگ جهانگیری، فرهنگ رشیدی و فرهنگ انجمن آرای ناصری، رباعی را جزو اشعار رودکی آورده، و رواقی آن را در بخش سروده‌های منسوب به رودکی و تحت نام مسعود سعد درج کرده‌است. اعتبار استنادی این سه فرهنگ در برابر دیوان مسعود سعد ناچیز و حذف آن از اشعار رودکی کاری درست است. در دیوان مسعود سعد، رباعی بر مبنای چهار دست‌نویس، از جمله نسخه کهن مجموعه دواوین کتابخانه حکیم علی‌اوغلو، متعلق به سده هفتم یا هشتم هجری آمده‌است. (مسعود سعد، ص ۸۰۹)

شگفت اینجاست که رباعی را، با تغییری اندک، در دیوان ازرقی هروی (ص ۲۷۹) نیز می‌یابیم و در آنجا هم نقل رباعی متکی به مجموعه دواوین مورخ ۶۹۲ ق موزه بریتانیاست:

در پیش خود آن هجر به بدکامه نهم
برنامه تو چو دست بر خامه نهم
پروین ز سرشک دیده بر جامه نهم
خواهم که دل اندر شکن نامه نهم

این رباعی ممکن است از ازرقی یا از مسعود سعد باشد، اما از رودکی نتواند بود.

رباعی ۱۵

چون کشته ببینی ام دو لب گشته فراز
بر بالینم نشین و می‌گوی به‌ناز
وز جان نهی این قالب فرسوده به آز
کای کشته تو را من و پشیمان شده باز

(نقیسی ۲، ص ۵۱۵؛ رواقی، ص ۱۰۷)

رواقی، به دلیل درج رباعی در دیوان قطران تبریزی، آن را در بخش سروده‌های منسوب به رودکی جای داده، اما نقیسی، به اعتبار نه منبع، آن را به اسم رودکی آورده‌است. منابع او عبارت‌اند از: تذکره هفت اقلیم، دیوان رودکی چاپ تهران، مجمع الفصحاء، منتخبات فارسی شفر، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، مقاله هرمان اته، عرفات‌العاشقین، تذکره ریاض الشعراء، و نظم گزیده. آنچه درباره منابع رباعی دهم گفتیم درباره منابع این رباعی نیز راست می‌آید؛ یعنی این نقل‌های متعدد را به حساب تواتر منابع نمی‌توان گذاشت، بلکه، چنان‌که پیش‌تر هم اشارتی در این موضوع رفت، رونویسی از یکدیگر است.

ذکر این نکته درباره رباعی ضروری است که زکریای قزوینی (وفات: ۶۸۲ ق) در آثارالبلاد، رباعی را، طی حکایتی، به رفیع‌الدین عبدالعزیز لُنبانی، شاعر قرن ششم هجری، نسبت داده و گفته

که در راه بغداد، امیری از امرای اتابک محمد بر کاروان آن‌ها شبیخون آورد و او را شناخت و بگشت، و رفیع لُبنانی این رباعی را در هنگام قتل بگفت (قزوینی، ص ۳۰۲). البته نقل رباعی را می‌توان امری جدا از سرودن آن دانست. در هر صورت، روایت قزوینی، به دلیل قدمت، درخور توجه است.

رباعی ۱۶

نارفته به شاهراه وصلت گامی نایافته از حُسن و جمالت کامی
ناگاه شنیدم ز فلک پیغامی کز حُجّ فراق نوش بادت جامی

(نفیسی ۲، ص ۵۱۸؛ رواقی، ص ۱۱۶)

رواقی، به دلیل آنکه رباعی در بعضی منابع به نام کسایی مروزی ثبت شده، آن را در گروه سروده‌های منسوب به رودکی قرار داده است. محمدامین ریاحی نیز در کتاب کسایی مروزی آورده: «این رباعی را نفیسی از یک جُنگ نقل کرده و می‌گوید به نام رودکی هم آمده است» (ریاحی، ص ۱۰۱). در واقع، منشأ انتساب این رباعی به رودکی و کسایی، یک جاست! ماجرا از این قرار است که نفیسی دو منبع برای این رباعی آورده: «سفینه‌های اشعار فارسی»، «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، که در یکی به نام رودکی است و در دیگری به نام کسایی مروزی؛ و البته، هر دو منبع را ذیل رباعی رودکی آورده است^(۳). بنابراین، کسایی و رودکی، در بحث انتساب این رباعی، سرنوشت یکسانی دارند، و ترجیح یکی بر دیگری، با مستندات فعلی از احتیاط به دور است.

نتیجه‌گیری

فرجام سخن آنکه شمار فراوانی از رباعیات منسوب به رودکی، در منابع معتبر، به نام شاعران دیگر یافت می‌شود. برخی نیز ناهمخوانی آشکاری با سبک دوره سامانی (از نظر اصطلاحات و واژه‌های مورد استفاده و طرز سخنوری و شیوه‌های بلاغی) نشان می‌دهند. این قبیل رباعیات را باید از دفتر سروده‌های رودکی کنار گذاشت. درباره سایر رباعیات منسوب به رودکی، این نکته گفتنی است که سرچشمه همه آن‌ها منابع متأخر و اغلب نامعتبر است و، در سنجه نقد و بررسی، قابل استناد برای تشخیص شیوه سخنوری رودکی، تغییر و تحوّل واژگان، تأثیرپذیری رودکی از قرآن و حدیث، تأثیر او بر شاعران سده‌های بعد، و بررسی‌هایی از این دست نتواند بود، و نتایج چنین بررسی‌هایی چندان قابل اعتماد نیست. در معیار نقد، عیار استنادی اغلب این منابع پایین است. بنده معتقدم، برخلاف تصوّر رایج، که از نقل بی‌پشتوانه شمس قیس رازی برمی‌خیزد، رودکی را نمی‌توان در

جریان رباعی فارسی شاعری اثرگذار و جریان‌ساز به شمار آورد؛ و هیچ رباعی مستندی که متکی بر منابع کهن و معتبر باشد در اختیار ما نیست که چنین تصویری را تصدیق کند.

پی‌نوشت

۱. شواهدی از روزگاران پیش از رودکی، مبنی بر رواج رباعی در محافل صوفیه، ناقص این روایت است (نک. شفیع کدکنی، ص ۴۷۷). ضمن اینکه ساخت فعل «همی‌رود»، از زبان کودکی که باید به زبان کودکانه سخن گوید نه ادبی دربار، باعث تعجب است.

۲. درباره رباعیات رودکی و نقد انتساب و ویژگی‌های سبکی آن‌ها، پیش‌تر، علیرضا حاجیان‌نژاد، مقاله سودمندی با عنوان «تأملی در رباعیات منسوب به رودکی» (نک. منابع) به دست داده که از منظر پژوهشی، با مقاله حاضر اختلاف دارد، و حتی برداشت‌های متفاوتی درباره صحت و اصالت برخی رباعیات منسوب به رودکی در این دو مقاله به چشم می‌آید، و خوانندگان محترم، در مقایسه، آن را درخواهند یافت. برخی برداشت‌های نویسنده محترم درباره اصالت شماری از رباعیات منسوب به رودکی، به واسطه اطلاعات مقاله حاضر، و شناسایی گویندگان اصلی آن رباعیات، قابل ارزیابی دوباره است.

۳. همین‌جا اشاره کنم که پاره‌ای از اشعار منسوب به رودکی را نفیسی از اسرارالتوحید برگرفته، درحالی‌که در آن کتاب، هیچ شعری به صراحت به نام رودکی نقل نشده‌است. توضیح و توجیه نفیسی این است: «مؤلف اسرارالتوحید تصریح نکرده‌است که این اشعار از رودکی است. اما روش آن‌ها و تعبیرات و تلفیقات و ترکیباتی که در آن‌ها به کار رفته و الفاظی که در آن‌ها آمده، همه دلیل بر آن است که از رودکی است و به سخنان رودکی از هر شاعر دیگر مانده‌تر است» (نفیسی ۲، ص ۴۵۸). بنابراین، شماری از اشعار، طبق اجتهاد مؤلف، به رودکی نسبت یافته‌است. این اشعار، در کتاب سروده‌های رودکی نیز، بی هیچ اشاره‌ای، در بخش اصلی جای گرفته و رواقی در چند و چون آن تأملی روا نداشته است.

۴. دماغ در رباعی سنایی به معنی مغز سر و کنایه از اندیشه‌های باطل است. در رباعی منسوب به رودکی، دماغ به معنی بینی است و با حس بویایی مرتبط است. رواقی دماغ را مجازاً به معنی «توان بویایی» گرفته‌است (رواقی، ص ۲۹۰). مؤلف تذکره خلاصه‌الشعار، رباعی را به همین روایت نفیسی، به لطف‌الله نیشابوری (وفات: ۸۱۲ ق) نسبت داده‌است. رباعی، به همین ضبط، به اعتبار نسخه‌ای که در ۱۰۶۷ ق کتابت شده، در دیوان اثیرالدین آخسیگی هم جای گرفته‌است. اما دست‌نویس‌های کهن دیوان اثیر این رباعی را ندارند. (نک. میرافضلی ۲، ص ۹۰)

۵. در ویراست دوم، کتاب میرزایف به‌عنوان یکی از منابع اشعار رودکی (با رقم ۸۵) مشخص شده، و این نوعی سردرگمی برای مخاطب ایجاد می‌کند. منبع میرزایف چاپ اول کتاب نفیسی بوده و اشعار آن کتاب را به استناد اثر نفیسی نقل کرده‌است. ارجاع نفیسی در ویراست دوم به میرزایف مفهومی جز ارجاع به ویراست نخست کتاب خودش ندارد، و به نظر می‌رسد او برای آنکه برداشت‌های استحسان‌ی خود را در انتساب برخی اشعار به رودکی معتبر نشان دهد، یا برای پُر و پیمان کردن منابع، در ویراست دوم به این اثر، همچون منبعی مستقل، ارجاع مکرر داده‌است.

۶. این اصطلاح در کتاب‌هایی چون فرهنگ جهانگیری (انجو شیرازی)، سرمة سلیمانی (اوحدی بلیانی)، برهان قاطع (تبریزی)، و فرهنگ رشیدی (تتوی) ثبت نشده‌است.

۷. مؤلف فرهنگ جهانگیری نویسد: «گچه، انگشتی بی‌نگین باشد، و آن را به هندوی چهله گویند که بدان انگشتی بازی کنند». (انجو شیرازی، ج ۱، ص ۷۲۸)

۸. گلچین معانی، به انتحال تذکره‌هایی چون ریاض الشعراء و مجمع الفصحاء از عرفات العاشقین اشاره کرده و گفته است: «بعد از تقی اوحدی، کلیه کسانی که تذکره عمومی نوشته‌اند، به کتاب عظیم او دستبرد زده‌اند، و بیشترشان نه تنها نام عرفات را در شمار مآخذ خود مذکور نداشته‌اند، بلکه مؤلف آن را هم در عداد شعرای تذکره خویش نیاورده‌اند.» (گلچین معانی ۱، ج ۲، ص ۹-۱۰)

۹. صنایع تبریزی هفت غزل با ردیف «گره» دارد. (نک. صنایع، ص ۳۱۹۶-۳۱۹۸، ۳۲۲۵-۳۲۲۶)

۱۰. ضبط مصراع دوم رباعی در نسخه چاپی به همین گونه بود و از صحت آن اطمینان ندارم.

۱۱. بنده حدس می‌زنم که «سفینه اشعار متعلق به اقبال»، همان جنگ اشعار شماره «۵۳ د» کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران است که گویا در سده دوازدهم گرد آمده و در آن یادداشتی به تاریخ ۱۱۶۸ ق موجود است. این حدس از آنجاست که نفیسی، در ذیل رباعی شماره ۱۵ یادداشت ما، می‌گوید که در منبع شماره ۶۳ (که همان جنگ متعلق به اقبال است) رباعی به اسم کسایی مروزی است. در جنگ اشعار ادبیات (ص ۴۱۲) هم این رباعی به نام کسایی آمده است. اشعار رودکی در این متن (جنگ اشعار، ص ۱۰۸-۱۱۵) با آنچه نفیسی از منبع ۶۳ خود نقل کرده است، مطابقت دارد.

۱۲. اگرچه جواهرالخیال در سال‌های پایانی قرن یازدهم هجری گردآوری شده، این رباعی، در سفیدی بین جداول متن اصلی، به خطی غیر از متن کتابت شده و افزوده سنوات بعدی (به احتمال بسیار، در سده دوازدهم هجری) است.

۱۳. نفیسی، در ویراست اول کتاب، در پانویس صفحه، به این موضوع اشاره کرده (نفیسی ۱، ص ۱۰۴۷)؛ اما، در ویراست دوم، این اشاره مهم را برداشته و خواننده گمان می‌برد که رباعی در هر دو منبع به نام رودکی است.

منابع

- آلهی، سعدالدین، مجموعه رباعیات، دست‌نویس شماره ۱۷۰۶۳ کتابخانه مجلس، ۱۵۸ برگ، مورخ سده ۱۰ ق.
- آخسیکتی، اثیرالدین، دیوان اثیرالدین آخسیکتی، تصحیح محمود براتی خوانساری، سخن، تهران ۱۳۹۸.
- ازرقی هروی، ابوبکر، دیوان ازرقی هروی، تصحیح مسعود راستی‌پور و محمدتقی خلوصی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۸.
- اصفهان‌ی، کمال‌الدین، دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهان‌ی، به اهتمام حسین بحرالعلومی، کتابفروشی دهخدا، تهران ۱۳۴۸.
- انجو شیرازی، حسین، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، ۳ جلد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ۱۳۵۱.
- اوحدی بلیانی، تقی، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، ۷ جلد، اساطیر، تهران ۱۳۸۸.
- اهلی ترشیزی، کمال‌الدین (۱)، دیوان مولانا کمال‌الدین اهلی ترشیزی، تصحیح سید وحید سمنانی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۹۹.
- _____ (۲)، دیوان مولانا کمال‌الدین اهلی ترشیزی، دست‌نویس شماره ۸۳۳۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۵۱ برگ، مورخ ۹۳۳ ق.
- برهان تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، ۵ جلد، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ۱۳۶۲.
- بهار، لاله تیک‌چند، بهار عجم، تصحیح کاظم دزفولیان، ۳ ج، طلایه، تهران ۱۳۸۰.
- تئوی، عبدالرشید، فرهنگ رشیدی، تصحیح محمد عباسی، کتابفروشی بارانی، تهران ۱۳۳۷.
- جنگ اشعار، دست‌نویس شماره ۵۳ د کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۲۵۸ برگ، مورخ سده ۱۲ ق.

- حاجیان‌نژاد، علیرضا، «تأملی در رباعیات منسوب به رودکی»، رودکی، سرآمد شاعران فارسی (مجموعه مقالات)، به کوشش منوچهر اکبری، خانه کتاب، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۸، ص ۹۷-۱۱۵.
- رازی، امین احمد، تذکره هفت اقلیم، تصحیح سید محمدرضا طاهری (حسرت)، ۳ جلد، سروش، تهران ۱۳۷۸.
- رشیدی تبریزی، یار احمد، طریخانه: رباعیات ختّام، تصحیح جلال‌الدین همایی، نشر هما، تهران ۱۳۶۷.
- رضوی، محمدصالح، جواهرالخیال، دست‌نویس شماره ۴۵۱۸ آستان قدس رضوی، کتابت لطفعلی یوزباشی ایواغلی، ۵۸ برگ، مورّخ سده ۱۲ ق.
- رواقی، علی، سروده‌های رودکی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۹.
- ریاحی، محمّدامین، کسای مروزی؛ زندگی، اندیشه، و شعر او، توس، تهران ۱۳۶۷.
- سفینه نوح، دست‌نویس شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۲۷۹ برگ، مورّخ سده ۸ ق.
- سنایی غزنوی (۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، به اهتمام [محمّدتقی] مدرّس رضوی، کتابفروشی ابن‌سینا، تهران ۱۳۴۱.
- _____ (۲)، کتّبات سنایی، دست‌نویس شماره ۲۶۲۷ کتابخانه بایزید ولی‌الدین، فیلم شماره ۱۳۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۹۷ برگ، مورّخ ۶۸۴ ق.
- شروانی، جمال خلیل، نُزهةالمجالس، تصحیح محمّدامین ریاحی، زوّار، تهران ۱۳۶۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، چاپ دوم، آگاه، تهران ۱۳۷۰.
- شمس تبریزی، مقالات شمس تبریزی، تصحیح محمدعلی موحد، خوارزمی، تهران ۱۳۶۹.
- شمس قیس رازی، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، به اهتمام [محمّدتقی] مدرّس رضوی، چاپ سوم، زوّار، تهران ۱۳۶۰.
- صائب تبریزی، دیوان صائب تبریزی، به کوشش محمّد قهرمان، ج ۶، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۰.
- صفری آق‌قلعه، علی، اشعار فارسی پراکنده در متون، ۲ جلد، بنیاد موقوفات افشار با همکاری انتشارات سخن، تهران ۱۳۹۵.
- ظهوری ترشیزی، نورالدین، رباعیات ظهوری ترشیزی، به کوشش اکبر بهداروند، مولی، تهران ۱۳۸۹.
- عرفی شیرازی، کتّبات عرفی شیرازی، به کوشش محمّد ولی‌الحق انصاری، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۸.
- عوفی، محمّد، لُبّ‌الالباب، به کوشش سعید نفیسی، کتابفروشی علمی، تهران ۱۳۳۵.
- قزوینی، زکریا، آثار البلاد و اخبار العباد، تصحیح فردیناند وِسْتِنْفِلْد، گوتینگن، آلمان ۱۸۴۸ م.
- کاشانی، افضل، رباعیات بابا افضل‌الدین کاشانی، به اهتمام سعید نفیسی، فارابی، چاپ دوم، تهران ۱۳۶۳.
- کاشانی، تقی، خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الأفکار، دست‌نویس شماره ۷۷۹۰، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۶۳ برگ، مورّخ سده ۱۱ ق.
- کاشانی، عزیز، روضة الناظر و نُزهة الخاطر، دست‌نویس شماره ۷۶۶ کتابخانه دانشگاه استانبول، فیلم شماره ۲۴۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۰۴ برگ، مورّخ سده ۸ ق.
- گلچین معانی، احمد (۱)، تاریخ تذکره‌های فارسی، ۲ جلد، کتابخانه سنایی، تهران ۱۳۶۳.
- _____ (۲)، فرهنگ اشعار صائب، ۲ جلد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۴.

گلستانه، محمود، انیس الوحده و جلیس النخلوة، تصحیح مجتبی مطهری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۱.

مجلدالدین همگر (۱)، دیوان مجد همگر، به کوشش احمد کرمی، انتشارات ما، تهران ۱۳۷۵.
_____ (۲)، رباعیات مجد همگر، دست‌نویس شماره Or.3713 موزه بریتانیا، کتابت اسحاق بن قوام بن همگر، عکس شماره ۲۳۴-۲۳۵ کتابخانه مینوی، ۱۷۹ برگ، مورخ ۶۹۷ ق.
محمد پادشاه، فرهنگ آندراج، ۳ جلد، مطبعة تُولکیشور، لکهنو ۱۳۱۳ ق.
مسعود سعد سلمان، دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح محمد مهیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۹۰.

میرزایف، عبدالغنی، ابو عبدالله رودکی، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین آباد [= دوشنبه امروزی] ۱۹۵۸ م.
میرافضلی، سیدعلی (۱)، جنگ رباعی، سخن، تهران ۱۳۹۴.

_____ (۲)، کتاب چهارخطی، سخن، تهران ۱۳۹۶ ق.
نفیسی، سعید (۱)، احوال و اشعار ابو عبدالله محمد رودکی سمرقندی، جلد ۳، کتابفروشی ادب، تهران ۱۳۱۹.
_____ (۲)، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، امیرکبیر، تهران ۱۳۳۶.

واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعراء، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، ۵ جلد، اساطیر، تهران ۱۳۸۴.
وطواط، رشیدالدین (۱)، دیوان رشیدالدین وطواط، به تصحیح سعید نفیسی، کتابخانه بارانی، تهران ۱۳۳۹.
_____ (۲)، مجموعه دواوین، کتابت ابونصر محمد یمینی و محمدشاه اصفهانی، دست‌نویس شماره ۱۰۳ کتابخانه چستربیتی، فیلم شماره ۱۸۶۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۰۱ برگ، مورخ ۶۹۹ ق.
_____ (۳)، ابکار الأفكار فی الرسائل و الأشعار، دست‌نویس شماره ۲۳۲۶ از مجموعه احمد ثالث کتابخانه طوقوسرای، فیلم شماره ۶۹ کتابخانه مجتبی مینوی، کتابت محمد بن سیف نوقارینی، ۹۸ برگ، مورخ ۷۲۷ ق.